خبر

صندلی ریاست زیرپای یک زن

● در اقدامی عجیب، اعضای هیئت‌مدیره بورس سعودی، سارا السحیمی را به عنوان رئیس این بورس برگزیدند.به گزارش ایلنا سارا السحیمی که پیش از این مدیر اجرائی شرکت تأمین سرمایه بانک NCB بود، به عنوان نخستین زن، به سمت مدیرعاملی بورس سعودی انتخاب شد تا نشانی باشد از تغییرات اجتماعی و جنسیتی در کشور عربستان.

ایران عضو کمیته اجرائی «تیر» سازمان ملل شد

● معاون مدیرکل اداره نظارت بر ترانزیت ایران با کسب آرا به عنوان عضو کمیته اجرائی «تیر» سازمان ملل انتخاب شد.به گزارش اتاق ایران، نماینده گمرک ایران در کنوانسیون «تیر» توانست با کسب آرای دیگر اعضا برای مدت دو سال، عضویت کمیته اجرائی تیر سازمان ملل را به دست آورد.طبق قوانین این کنوانسیون بین‌المللی که گمرک ۷۰ کشور عضو آن هستند، اعضای کمیته اجرائی باید برای دو سال تعیین شوند. با پایان دوره مأموریت دوساله اعضای قبلی، انتخابات مجدد برگزار شد و براساس رأی‌گیری از بین ۱۰ نامزد تعیین‌شده، نمایندگان گمرک ۹ کشور، به عنوان اعضای جدید کمیته انتخاب شدند. مصطفی آیتی، معاون مدیرکل اداره نظارت بر ترانزیت که به عنوان نماینده گمرک جمهوری اسلامی ایران در این کنوانسیون فعالیت می‌کند، عضو جدید کمیته اجرائی تیر سازمان ملل است.

هشدار سفارت ایران به بازرگانان در تایلند

● سفارت جمهوری اسلامی ایران در تایلند روز شنبه به هم‌وطنان درباره کلاهبرداری شرکت‌های جعلی تایلندی و خسارات واردشده به ایرانیان از این طریق هشدار داد. به گزارش ایرنا، سفارت ایران در تایلند در اطلاعیه‌ای با هشدار به هم‌وطنان درباره وقوع موارد متعدد کلاهبرداری اینترنتی در این کشور جنوب شرق آسیا، اعلام کرد شکایت‌های بسیاری درباره شرکت‌های جعلی معرفی‌شده در سایت‌های پربیننده که منتج به خسارات مالی به برخی هم‌وطنان شده، دریافت شده است.سفارت ایران از هم‌وطنان خواست پیش از هر اقدامی برای همکاری با این سایت‌ها در تماس با سفارت کشورمان در بانکوک نسبت به اصالت و وجود شرکت مورد نظر و اعتبارسنجی آن اقدام کنند.

سیل جنوب، هوش از سر قیمت‌ها در تهران برد

● بررسی بازار میوه تهران نشان از آن دارد که قیمت میوه‌هایی که از جنوب ایران تأمین می‌شود با افزایش ناگهانی روبه‌رو شده و هر کیلو کدو و بادمجان بیش از پنج هزار تومان در بازار خرده‌فروشی عرضه می‌شود. به گزارش میزان، در چند روز اخیر زمینه برخی از محصولات کشاورزی همچون گوجه‌فرنگی، لوبیا سبز، فلفل و... در بازار تهران به‌شدت کاهش یافته و دلیل این امر از سوی فروشندگان میوه و سبزی نبود محصول در میادین میوه و تره‌بار است.بررسی‌های میدانی «میزان» گواه آن است که قیمت هر کیلو گوجه‌فرنگی به محدوده هفت‌هزار تومان افزایش یافته و در کنار آن قیمت هر کیلو فلفل‌دلمه‌ای هفت‌هزارو ۵۰۰، لوبیا سبز شش هزار، کدو هفت هزار، بادمجان پنج هزار، شلغم پنج هزار و پرتقال ۱۰ هزار تومان در مرکز شهر تهران عرضه می‌شود.در این رابطه حسین مهاجران، رئیس اتحادیه میوه و سبزی به میزان گفت: گوجه و برخی از انواع میوه همچون خیار، فلفل دلمه، بادمجان و کدو از جنوب ایران به سمت تهران بارگیری می‌شود که در یک هفته اخیر بارندگی عاملی شده تا حجم میوه واردشده به تهران کاهش درخور توجهی داشته باشد.وی پیش‌بینی کرد تا روز دوشنبه شرایط به روال عادی گذشته بازگردد. براساس گزارش «میزان»، تا پایان روز پنجشنبه قیمت انواع میوه روال طبیعی خود را طی می‌کرد و مشکلی نبود اما از ابتدای شنبه شرایط بازار دستخوش تغییرات اساسی شده است.

ایران مشکل تأمین مالی خرید هواپیماها را حل کرده

● پایگاه «فوربس» در گزارشی نوشته است که ایران برای تأمین مالی قراردادهای خرید هواپیماهای «ایرباس» و «بویینگ» با یک شرکت بین‌المللی لیزینگ هواپیمایی به توافق رسیده است.به گزارش «میزان»، پایگاه «فوربس» در مطلبی نوشته است که تهران برای تأمین مالی خرید ۷۷ هواپیما از شرکت هواپیماسازی «بویینگ» و «ایرباس» با یک شرکت بین‌المللی لیزینگ هواپیمایی به توافق رسیده است.«فوربس» به‌این اشاره کرد که جزئیات این قرارداد به بیرون درز نکرده اما به نظر می‌رسد که این قرارداد احتمالا نخستین قرارداد از چندین قرارداد بزرگ است که در هفته‌ها و ماه‌های آینده منعقد خواهد شد. این گزارش در ادامه ضمن بیان اینکه ایران قرارداد خرید صد هواپیما از «ایرباس» و ۸۰ فروند هواپیما از «بویینگ» را نهایی کرده که این قراردادها همه نیاز به تأمین مالی دارند، می‌نویسد شرکت‌های لیزینگ ایرلند احتمالا از نخستین شرکت‌هایی هستند که ایران با آنها مذاکره کرده است.

معاون هماهنگی و نظارت جهانگیری در گفت‌وگو با «شرق» از جزئیات ارثیه ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت یازدهم می‌گوید

کلنگ‌زنی احساسی-سیاسی احمدی‌نژاد

دولت پیش با تعریف پروژه‌های مختلف اصل ۴۴ را نقض کرد

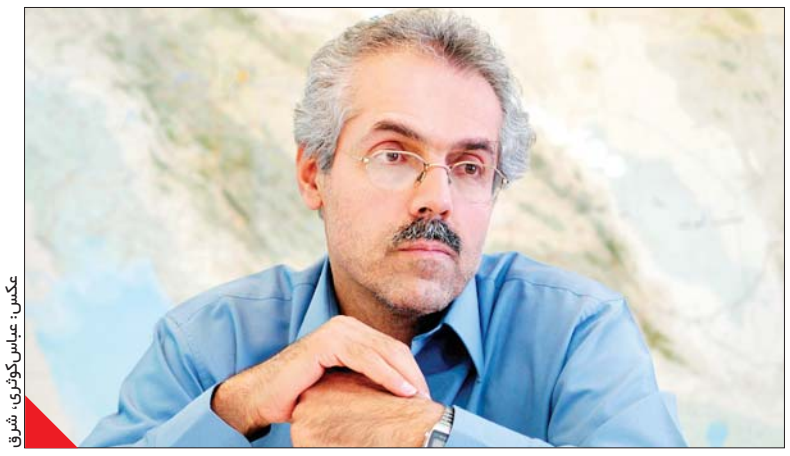

عکس: عباس کوثری، شرق

مهتاب قلی‌زاده

گذشتن از گیت‌های نهاد ریاست‌جمهوری کاری است بس دشوار؛ آن‌قدر دشوار که با تأخیر بسیار به مردی می‌رسم که القاب و عناوین خاص دارد: «پدرخوانده صنعت ایران»، «مرد در سایه صنعت» و «معمار خودروسازی». او در اتاق کارش، در انتظار است؛ نقشه ایران تقریبا روبه‌روی میز شخصی‌اش به دیوار آویخته شده و درست جلوی آن، تخته سفیدی گذاشته است. معاون هماهنگی و نظارت معاون‌اول ریاست‌جمهوری ایران روی این تخته از نام شهرهای مختلف نوشته است تا موضوع‌های مربوط به اقتصاد مقاومتی و... . پیراهن مشکی پوشیده و محاسن سفیدش بلند شده است. گذر زمان را می‌توان در چهره و موهایش دید. رضا ویسه، چهار سال در دولت اصلاحات رئیس هیئت عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع کشور بود و در دولت هشتم به‌عنوان «معمار اصلی صنعت خودرو ایران» شناخته شد. در جریان دولت تدبیر و امید، اسحاق جهانگیری او را به معاونت خودش منصوب کرد. فرصت برای این گفت‌وگو کم و پرسش بسیار بود.

در دولت آقای احمدی‌نژاد پروژه‌های ناتمام، کلنگ‌خورده، کلیدخورده و نیمه‌کاره و... بسیار وجود داشت. از عمرانی گرفته تا صنعتی و ... . اکنون زمان زیادی به عمر دولت تدبیر و امید باقی نمانده است. می‌خواهم بپرسم با این انبوه پروژه‌هایی که به دولت آقای روحانی رسید، دولت چه کرد؟

وجود پروژه‌های نیمه‌تمام در پایان هر دولت، موضوعی طبیعی است، چراکه نمی‌توان بین دوره‌های چهارساله دولت‌ها دیوار کشید و گفت دیگر همه مسائل به سر خط می‌آید و از ابتدا آغاز می‌شود. فعالان اقتصادی تلاش می‌کنند سرمایه‌گذاری کنند و ممکن است این سرمایه‌گذاری در زمان انتخابات نیمه‌کاره باشد؛ اما مسئله مهم‌تری که برای ما وجود داشت این بود که با تصمیم‌های احساسی و سیاسی طرح‌هایی را کلنگ زده بودند که کیفیت لازم را از نظر فنی، اقتصادی و توجیه‌پذیری کافی برای بازدهی سرمایه نداشتند. این ایراد اصلی بود که به یک‌سری طرح‌ها و پروژه‌های دولت پیش وارد می‌شد. برای نمونه از پروژه‌های نیمه‌تمامی که وجود دارد، می‌توان بیمارستانی را مثال زد که در منطقه‌ای که بیماری در آن وجود ندارد، تأسیس شده است. یا مثلا ورزشگاه نیمه‌کاره‌ای در محلی ساخته شده که اصلا ورزشکاری در آن ناحیه وجود ندارد. حتی عملیات عمرانی جاده‌هایی انجام شده که خودرویی از آن محل رد نمی‌شود. سخن من این است که طرح‌های نیمه‌تمام به خودی خود مشکل به حساب نمی‌آید، بلکه بی‌فایده و بی‌سودبودن است که مسئله ماست. دولت یازدهم دراین‌باره دو کار انجام داد؛ نخست اینکه سعی کرده طرح‌های نیمه‌تمام را در این دولت، تعیین تکلیف کند؛ آنهایی که طرح‌های عمرانی بوده و باید با بودجه دولت تمام می‌شده است. اینها به دو دسته تقسیم می‌شدند؛ یکی آن بخشی که قابلیت واگذاری به بخش غیردولتی را داشته است؛ یعنی برای نخستین‌بار در تاریخ ایران، دولت آمده و آن بخشی از طرح‌های نیمه‌تمام را که قابلیت خودگردان‌شدن داشته، به مزایده عمومی گذاشته و واگذار کرده است. این در قانون بودجه هم آمد؛ در برنامه ششم توسعه هم تداوم پیدا کرده است.

نکته دیگری که دراین‌باره وجود دارد این است که ما معتقدیم با تعریف این پروژه‌ها اصل ۴۴ نقض شده است؛ بنابراین طرح‌های نیمه‌تمام که قابلیت واگذاری دارند، در دستور کار هستند.

جزئیات آن به چه شکلی است؟

هرچند آخرین گزارش را ندارم، اما تا پایان دی‌ماه بیش از دوهزارو ۲۰۰ طرح نیمه‌تمام به بخش خصوصی و غیردولتی واگذار شده بود. این طرح‌ها شامل ورزشگاه، بیمارستان و... است.

خب؛ بخش دیگر طرح‌های نیمه‌تمام که قابل واگذاری نیستند، کدام‌اند و با آنها چه شد؟

اینها طرح‌های زیربنایی هستند و بازدهی‌شان برای کشور بلندمدت و طولانی است؛ طرح‌هایی مانند راه‌آهن، جاده، آب‌رسانی، برق و... . خب؛ دولت تا جایی که توانسته، تلاش کرده اینها را تکمیل کند. برای مثال، در سال ۱۳۹۳ طرح‌هایی که بالای ۶۵ درصد ساخته شده بودند، در اولویت گذاشته شدند. دوم پروژه‌هایی که خواسته مردم استان‌ها بود و در سفرهای آقای رئیس‌جمهور مطرح و تصویب می‌شد که در اولویت دولت قرار گیرد. هر آنچه در این اولویت‌بندی قرار گرفتند، صددرصد تأمین اعتبار شدند و پیشرفت خوبی داشته‌اند.

اما این میان پروژه‌هایی هم وجود دارند که زمان‌بر هستند و بخشی از آنها هم ممکن است به دولت بعد برسند. پروژه‌هایی هم وجود داشته که تعریف شده اما در مراحل نخست اجرا بوده است. اینها همه از نظر فنی و اقتصادی بازنگری شده است. آنهایی که از نظر فنی و اقتصادی توجیه نداشته‌اند، بایگانی شده است. یک‌سری هم آنهایی بوده که اقتصادی بوده و از سوی سازمان‌ها و نهادهای عمومی یا بخش خصوصی واگذار شد تا بتواند بازدهی مناسبی از آنها به‌دست بیاورد. مثل پروژه‌هایی که قرار بود از فاینانس چین استفاده کنند؛ بسیاری از اینها بلاتکلیف بود و دولت انرژی بسیاری برای روشن‌شدن وضعیت آنها گذاشت؛ به‌ویژه پروژه‌هایی که مربوط به زنجیره آهن و فولاد بودند. اینها وضعیت پراکنده و به‌هم‌ریخته‌ای از نظر تنظیم ظرفیت‌ها و تنظیم کیفیت سرمایه‌گذاری داشتند. یک‌سری پروژه هم بود که مربوط به نفت، گاز و پتروشیمی بودند. دولت بر حسب اولویت بازدهی و بهره‌برداری به‌موقع از منابعی که مصرف شده است، وضع آنها را روشن کرد؛ به‌ویژه آنهایی که صادراتی بودند و می‌توانستند منابع ارزی خوبی برای کشور بیاورند. مثل پروژه‌های پارس جنوبی یا پتروشیمی‌هایی که در خط لوله اتیلن غرب در حال ساخت بودند.

شما اشاره می‌کنید یک‌سری طرح‌هایی وجود داشتند که از اساس کارایی نداشتند و نیمه‌تمام بودند. می‌خواهم بپرسم چقدر از این طرح‌ها از دولت آقای احمدی‌نژاد به شما به ارث رسید؟

چند تا بودند و آیا برآورد شد که چقدر بار مالی برای دولت ایجاد کرده بود؟

من آمار دقیقی ندارم و سازمان برنامه و بودجه ریز آن را می‌داند؛ اما می‌توانم بگویم که یک اتفاق نامبارکی رخ داد؛ ازیک‌سو، کشور ۱۰ سال زحمت کشید تا سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ را پیاده کند. سیاست‌هایی که می‌گوید: دولت به عنوان دولت نباید سرمایه‌گذاری کند، مگر در مواردی که بخش خصوصی حضور نداشته باشد و تنها در گروه سه باشد؛ یعنی در مناطقی که صنایع بالادستی نفت و گاز است؛ یا زیرساخت‌هایی که باید همواره برای دولت بمانند. مثل ریل‌گذاری و راه‌آهن. زمان دولت آقای احمدی‌نژاد به میزان ۴۰۰هزارمیلیارد تومان طرح عمرانی به قیمت سال ۱۳۹۲ تصویب شد که اینها اکنون با محاسبه نرخ تورم و تعدیل قیمت و... هر سال هزینه‌ها تقریبا ۱۵ درصد افزایش پیدا می‌کند و بنابراین منابعی که دولت برای تکمیل پروژه‌ها باید بگذارد، با توجه به روند سه سال گذشته شاید بالغ بر ۴۰ تا ۵۰ سال طول بکشد؛ پس باید حتما یا درباره پروژه‌های نیمه‌تمام تجدید نظر و کنسل یا باید به بخش‌های غیردولتی واگذار شود.دولتی که براساس قانون قرار بوده سرمایه‌گذاری نکند و همه امور را به مردم واگذار و اقتصاد را مردمی کند، دولتی که باید تنها نقش رگولاتوری ایفا می‌کرد و به مسائل کلان، مجوزها، کیفیت و استاندارد می‌پرداخت. ۴۰۰ هزار میلیارد تومان، زمانی که دلار هزار تومان بوده است، پروژه تعریف کرد. در شرایطی که درآمد ارزی کشور در اوج، صد میلیارد دلار بوده است. ما می‌گوییم این اتفاق، درست نبود؛ نه از نظر مدیریتی نه از نظر اقتصادی و نه از نظر مصلحتی؛ اما به‌هرروی به این دولت به ارث رسید و ما هم باید آن را مدیریت می‌کردیم.

شما به این اشاره کردید که بخشی از پروژه‌های نیمه‌کاره به‌ارث‌رسیده از دولت پیشین، به بخش خصوصی واگذار شد. یکی از انتقادهایی که به این جریان می‌شود این است که چرا با وجود آنکه دولت با محدودیت منابع مواجه است -چه در زمان تحریم‌ها و چه حالا که قیمت نفت پایین است- خصوصی‌سازی بسیار آرام و قطره‌چکانی انجام می‌شود؟

این موضوع واقعیت ندارد؛ چراکه تعداد شرکت‌هایی که خصوصی نشده و روی دست سازمان خصوصی‌سازی مانده است، محدود است. بیشتر هم شرکت‌هایی هستند که یا زیان‌ده‌اند یا از نظر نوع محصول و نوع بازار به‌جز دولت نهاد دیگری نمی‌تواند آنها را اداره کند. به‌همین‌دلیل دست سازمان خصوصی‌سازی خیلی باز نیست تا حجم زیادی از شرکت‌های دولتی را عرضه کند؛ البته نکته‌ای را باید گفت و آن اینکه بخش بیشتر آنهایی که مانده‌اند به روش مزایده عمومی نمی‌توان واگذار کرد. برای نمونه فرض کنید می‌خواهید شرکتی را که زیان‌ده است، واگذار کنید؛ ممکن است دارایی بسیار زیادی در این شرکت باشد، اما سودآوری و بازدهی ندارد. اگر بخواهید این شرکت را براساس اصل سودآوری واگذار کنید، قیمت آن، صفر است؛ چراکه زیان‌ده است. اگر قرار باشد به قیمت دارایی فروخته شود، خب سرمایه‌گذار عاقل سرمایه‌اش را در چاله‌ای نمی‌اندازد که نمی‌تواند پولش را از آن بردارد. این حکایت شرکتی است که زیان‌ده است، اما دارایی عظیمی دارد. معمولا در کشورهایی که در موضوع واگذاری موفق بوده‌اند با کارآفرینان و خلاقان آن بخش مذاکره می‌کردند و با شرط احیای صنعت، حفظ اشتغال و پرداخت مالیات و حق‌وحقوق دولت روی مبالغ جزئی توافق می‌کردند و اینها را واگذار می‌کردند. این هنوز در کشور ما رخ نداده است؛ البته به‌تازگی سازمان خصوصی‌سازی پیشنهادهای زیادی داده است تا بتوانند راه را برای این روش باز کنند. اکنون هم در دستور کار دولت است. اگر دولت این راه را باز کند، می‌توان گفت که بخشی از آن کندی و موضوعی که شما درباره سرعت پایین واگذاری‌ها اشاره کردید، حل می‌شود.

آمارهای جهانی نشان می‌دهد در پسابرجام و در زمانی که انتظار می‌رفت سرمایه‌های بزرگ خارجی جذب شود، کمترین میزان سرمایه نسبت به دو، سه سال گذشته جذب شد؛ یعنی دو میلیارد دلار از زمان رسیدن به توافق هسته‌ای تاکنون. می‌خواهم بپرسم، چرا با وجود آنکه هیئت‌های اقتصادی و بازرگانی بسیاری از کشورهای مختلف به ایران آمدند، اما همه بدون بستن قرارداد از ایران رفتند؟

ببینید؛ منابع خارجی به دو بخش تقسیم و سپس وارد کشور می‌شود؛ یکی سرمایه‌گذار مستقیم از سوی سرمایه‌گذار یا به‌کل فاینانس؛ یعنی وامی که در اختیار سرمایه‌گذار بخش خصوصی ایرانی قرار می‌گیرد و بعد هم باید در دوره زمانی مشخص بازپرداخت شود. ما هم در بخش جذب سرمایه مستقیم و هم در بخش فاینانس، پس از برجام با فضایی مواجه شدیم که آن فضای تهدید و ارعاب از سوی آمریکا برای سرمایه‌گذاران خارجی بود؛ یعنی زمانی که سرمایه‌گذار خارجی به ایران می‌آید و مذاکره می‌کند، به انواع و اقسام روش‌ها تهدید می‌شوند تا در ایران سرمایه‌گذاری نکنند. این اتفاقی است که افتاده است؛ این موضوعی نیست که بتوان آن را به برجام متصل کرد و ازسوی‌دیگر نمی‌شود آن را به مسائل داخلی ربط دارد. یک سیاست استراتژیک است. در درجه نخست می‌توان گفت که اسرائیلی‌ها آن را دنبال می‌کنند و سپس آمریکایی‌ها و نمی‌توانم بگویم آنها در این روش موفق بوده‌اند؛ تنها سرعت ما را کم کرده‌اند؛ یعنی این جذب سرمایه‌گذاری رخ می‌دهد اما با سرعت بسیار کمتر.

اما واقعیتی است که وجود دارد...

بله ببینید یک دری در حال گشوده‌شدن است تا امکانات جدیدی برای ایران فراهم شود، اما عده‌ای پشت آن ایستاده‌اند و نمی‌گذارند. بااین‌همه این‌گونه نیست که به‌کلی نتوانستیم در را باز کنیم. باز شده است اما به‌مرور. همین حالا می‌بینید که اروپایی‌ها با وجود همه این تهدیدها در حال آمدن به ایران هستند، حال ممکن است اولویت‌بندی‌شان در ابتدا صنایع نفت و گاز یا فولاد باشد.

از زمانی که ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا شده است، شاید این سخن شما درست باشد اما پیش از آن چطور؟ موج‌های آمدن ترامپ بازار ارز ایران را هم مانند سایر کشورها به‌شدت ملتهب کرد؛ اما پیش از آمدن ترامپ که آمریکا چنین سیاستی نداشت...

نه این‌طور نیست؛ همان زمان که برجام امضا شد، جناح محافظه‌کار در آمریکا با کمک عناصری در اسرائیل، «ان‌جی‌او»هایی راه انداختند که کارشان تنها این بود که بروند و با بانک‌های بین‌المللی صحبت کنند؛ اما سخن‌گفتن همراه با تهدید که با ایران کار نکنید؛ به‌همین‌دلیل ایران با هر بانکی که وارد مذاکره می‌شد، صحبت‌های غیررسمی آنها این بود که ما نمی‌توانیم با شما کار کنیم.

چرا این موضوع همان زمان از سوی دولت اعلام نمی‌شد؟

به‌این‌دلیل که آنها به ما اعلام رسمی نمی‌کردند که ما هم اعلام رسمی کنیم. دولت با موانعی مواجه می‌شد که نامشهود و غیررسمی بود؛ اما من اکنون به شما می‌گویم این موانع نامشهود را آمریکایی‌ها با لابی‌گری و ایجاد سازمان‌های غیررسمی ایجاد کردند. این کار اکنون هم ادامه دارد. این هم ناگفته نماند که در این قصه عربستان سعودی هم به‌شدت نقش بازی کرده است.

پس آمریکا، اسرائیل و عربستان؟

می‌توانیم بگوییم در درجه نخست، اسرائیل، بعد هم آمریکا و عربستان.

شما اشاره می‌کنید که اولویت این سرمایه‌گذارانی که به ایران می‌آیند، نفت و گاز است. همه می‌دانند که در پسابرجام عملکرد آقای زنگنه پیش‌برنده طرح‌های بسیاری بوده است؛ به‌هرحال تلاش بسیاری شد تا بازار نفت ایران احیا شود، تولید نفت دوباره به سطح پیشین بازگردد و پارس‌جنوبی زنده شود؛ اما این عملکرد در وزارتخانه‌های دیگر دیده نمی‌شود. شما معاون نظارت معاون‌اول رئیس‌جمهوری هستید، آیا بررسی شده است که چرا عملکرد مشابهی از نظر کیفیت در وزارتخانه‌های مختلف دیده نمی‌شود؟

اول باید بگویم که با نظر شما موافق نیستم. تنها این تفاوت میان وزارت نفت با سایر وزارتخانه‌ها وجود دارد که همه بخش‌های مدیریت، بودجه و اجرا در صنایع بالادستی، اکتشاف، حفاری و استخراج و... در وزارت نفت، به‌عهده خودشان است. باید با همه امکاناتی که دولت در اختیار آنها گذاشته است، همه بخش‌ها را به ثمر برساند. با توجه به اینکه نفت و گاز هم نه برای دولت که برای کل نظام در اولویت است، توجه خاصی به آن می‌شود؛ اما در وزارتخانه‌های دیگر مانند کشاورزی، صنعت یا شهرسازی نقش وزارتخانه بیشتر رگولاتوری است؛ یعنی باید مجوز صادر کند، تسهیلات ایجاد کند و موانع را بردارد تا فعالان بخش غیردولتی بتوانند خوب و آسان حرکت و فعالیت کنند. اکنون در شرایطی هستیم که ریسک سرمایه‌گذاری در کشور تازه یک درجه پایین آمده است؛ یعنی عدد هفت پس از برجام، به شش رسیده است. معنی و مفهوم عدد شش برای ریسک سرمایه‌گذاری؛ یعنی اینکه اگر سرمایه‌گذاری بخواهد سرمایه‌گذاری کند، ریسک این کار را در ایران با کشورهای دیگر مقایسه می‌کند. طبیعی است که سرمایه‌اش را جایی می‌برد که ریسک در حداقل باشد؛

ادامه در صفحه ۸

گذر

معاون سابق سازمان مالیاتی:

نمی‌دانیم مجلس چگونه به جایگزینی مالیات ارزش افزوده رسید

● معاون سابق مالیات ارزش افزوده سازمان مالیاتی با بیان اینکه مالیات مصرف شفاف نبوده و مسئولیت‌محور نیست، گفت: دسترسی آسانی به اطلاعات بانکی مؤدیان نداریم.علیرضا طاری‌بخش در گفت‌وگو با فارس، با اشاره به پیشنهاد اعضای کمیسیون تلفیق بودجه مجلس در رابطه با جایگزینی مالیات مصرف به‌جای مالیات ارزش افزوده، اظهار کرد: مالیات ارزش افزوده و فروش برپایه مالیات مصرف است و هرگونه مالیاتی که براساس هزینه اشخاص حقیقی و حقوقی اخذ می‌شود را این نوع مالیات پوشش می‌دهد.معاون سابق مالیات ارزش افزوده سازمان امور مالیاتی با اشاره به اینکه مالیات ارزش افزوده از مابه‌التفاوت سود در حلقه‌های مختلف اخذ می‌شود، تصریح کرد: ویژگی این مالیات این است که شفاف‌سازی و مسئولیت وصول مالیات در کل حلقه‌ها توزیع می‌شود و به‌این‌ترتیب مؤدیان پاسخ‌گو خواهند بود. این مقام مسئول با اشاره به مالیات فروش، تصریح کرد: در این نوع مالیات شفافیت و مسئولیت وجود ندارد. اکنون شرکت‌های بزرگ معتقدند نمی‌توانند مالیات ارزش افزوده را وصول کنند چطور توقع داریم در سطح کوچک‌تر و مناطقی که حساب‌وکتاب درستی ندارند افراد این نوع مالیات را دریافت کنند. وی تأکید کرد: چگونه مجلس به این نتیجه رسیده است مالیات مصرف عملیاتی شود درحالی‌که این موضوع امکان‌پذیر نیست.

شافعی خبر داد

تشکیل صندوق‌های توسعه منطقه‌ای روی میز دولت

● رئیس اتاق بازرگانی ایران ایجاد هلدینگ‌های صادراتی با مشارکت دولت را از طرح‌های تحول در توسعه منطقه‌ای دانست و گفت: ایجاد صندوق‌های توسعه‌ای منطقه‌ای به دولت پیشنهاد شده است. به گزارش اتاق بازرگانی ایران، غلامحسین شافعی با اشاره به نقش تأثیرگذار دبیرخانه سه اتاق بازرگانی، اصناف و تعاون در ایجاد صدای واحد بخش غیردولتی، تأکید کرد: امروز بخش خصوصی نیازمند ائتلاف و تشریک قوا در جهت ایجاد جایگاه واقعی خود است.وی افزود: متأسفانه در گذشته به دلیل عدم ائتلاف و تضاد منافع بخش خصوصی و غیردولتی در اقتصاد کشور، سیاست‌گذاران در مجلس و دولت دچار سردرگمی بوده‌اند. رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران افزود: در برنامه‌ریزی کشور برای توسعه خلأ وجود دارد و آن هم عدم توجه به توسعه منطقه‌ای و استانی است. این مسئله موجب بی‌توجهی به امکانات مناطق کشور می‌شود. اینکه در تهران نسخه‌ای برای توسعه همه استان‌ها بدون توجه به ظرفیت‌های منطقه‌ای آنها نوشته شود، اشتباهی است که دائما تکرار می‌شود.وی با اشاره به اینکه اگر به دنبال توسعه کشور هستیم باید از تمرکزگرایی به سمت تمرکززدایی حرکت کنیم، اظهار کرد: متأسفانه علاوه بر بی‌توجهی به ظرفیت‌های منطقه‌ای در توسعه کشور، مسئله بی‌توجهی به محیط زیست و زندگی مردم مطرح است و مثال آن هم توسعه طرح‌های فولادی و نادیده‌گرفتن شرایط کمبود آب در آن مناطق است.

چیلر تراکمی اسکرو ساراول همگام با تکنولوژی روز دنیا

در این ۲ عکس چیلر ساراول در ۲ نما قابل مشاهده است کمپرسورها از نوع اسکرو می باشد

ظرفیت ۳۶۰ تن برودت (تقلیل ظرفیت تا نزدیک صفر)

مزایای این چیلرها :

ظرفیت بین ۵۰ تا ۱۲۰۰ تن تبرید.

کاهش چشمگیر مصرف انرژی به علت تقلیل اصطکاک ، با مقایسه با کمپرسور پیستونی .

دارای صفحه نمایش دیجیتال جهت نشان دادن کلیه پارامترهای عملکرد چیلر بصورت لحظه ای .

ضمنا ؛ مشتریان محترم در نظر بگیرند که چیلر با ظرفیت بالا حدودا ۴ ماه طول می کشد ساخته و آماده تحویل شود .

موقع سفارش در زمستان است ، بهره برداری در تابستان.

ساراول

تولید کننده با دوام ترین وسایل تهویه مطبوع

تلفن : ۴-۸۸۰۴۶۹۲۱ فکس : ۸۸۰۴۶۹۲۰

www.saravel.com

sales@saravel.com